

تزامن فناوری همسان‌سازی انسانی با اخلاق زیستی اسلامی

محمدباقر عامری نیا

لیلا نیکوئی نژاد^۱

عزیزالله نیک‌منش

چکیده

مقدمه: همسان‌سازی انسانی (Human cloning) به‌عنوان مهم‌ترین تحول قرن حاضر، محصول پیشرفت علم و تکنولوژی علوم زیستی و ژنتیکی است که به‌طور ویژه، محافل دینی، اخلاقی و حتی سیاسی را تحت تأثیر قرار داده است. تصور تولد موجود زنده - مخصوصاً انسان - خارج از مجرای طبیعی و بدون استفاده از سلول‌های جنسی، همگان را به تعجب و شگفتی وامی‌دارد؛ گویی اکنون علم، هنر خود را به رخ جهانیان کشیده است. در پایان به این نتیجه رسیدیم که همسان‌سازی انسانی با اصول اخلاق زیستی اسلامی در تعارض است؛ بنابراین باید فناوری همسان‌سازی انسانی ممنوع شود.

روش: در این مقاله با عنوان «تزامن فناوری همسان‌سازی انسانی با اخلاق زیستی اسلامی»، مؤلفان به کمک روش کتابخانه‌ای به تحلیل و بررسی فناوری شبیه‌سازی انسانی بر مبنای اصول اخلاق زیستی اسلامی پرداخته‌اند و در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که فناوری مذکور با اصول اخلاق زیستی اسلامی تعارض پیدا می‌کند.

واژگان کلیدی

فناوری؛ شبیه‌سازی انسانی؛ اخلاق زیستی اسلامی؛ اصول اخلاق زیستی

۱. کارشناس ارشد فلسفه دین. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج، باشگاه پژوهشگران جوان، یاسوج،

Email: laile1451@yahoo.com

ایران. (نویسنده مسؤول)

تزامن فناوری همسان‌سازی انسانی با اخلاق زیستی اسلامی

بخش اول: مفهوم‌شناسی همسان‌سازی انسانی و اخلاق زیستی اسلامی

۱. مفهوم‌شناسی همسان‌سازی انسانی

فناوری همسان‌سازی به ویژه همسان‌سازی انسانی، جدیدترین فناوری عصر حاضر است که به «بحث قرن» معروف شده است. این تکنیک به علت مسایل اخلاقی آن دلمشغولی‌های فراوانی را در سراسر دنیا، برای صاحبان اندیشه ایجاد کرده است (نیکوئی‌نژاد، ۱۳۹۰ ش.)، گیاه‌شناسی به نام «هربرت وبر» واژه کلون (clon) را برای اولین بار در سال ۱۹۰۳ م، برای توصیف مجموعه‌ای از جانداران به کار برد که از طریق تولید مثل غیر جنسی، از یک والد به وجود می‌آیندند (مروتی، ۱۳۸۴ ش.). کلون به معنای قلمه، به منظور تکثیر است و از ریشه یونانی clon به معنای جوانه و ترکه اقتباس شده است، گویا در مفهوم این کلمه توانایی تولید نسخه‌های نامحدود از یک ریشه اولیه گنجانده شده است و این لغت در اصطلاح به معنای همانندسازی غیر جنسی موجود زنده به کار می‌رود (صادقی، ۱۳۸۳ ش.). همسان‌سازی در اصطلاح دارای دو مؤلفه مهم است؛ اول اینکه: تکثیر به صورت غیر جنسی صورت می‌گیرد، یعنی تولید مثل و خلق انسانی جدید بی‌آنکه از طریق دخالت جنسی دو جنس مخالف باشد و دیگر: امکان تکثیر نامحدود. در این فناوری می‌توان با استفاده از یک سلول به تقسیم سلولی اقدام کرد و تعداد بسیار زیادی موجود زنده کاملاً مشابه هم تولید کرد.

همسان‌سازی اعم از انسانی و حیوانی بر اساس هدف و نتیجه به دو نوع تقسیم می‌شود: همسان‌سازی تولید مثلی^۱ و همسان‌سازی تحقیقی یا درمانی^۲. در همسان‌سازی تولید مثلی، همسان‌سازی برای رسیدن به فرد شبیه شخص اولیه انجام

می‌شود که هدف نهایی تولید یک نسخه کاملاً مشابه با موجود بالغ اولیه است؛ به عبارت دیگر؛ استفاده از یک جنین کلون‌شده برای شروع یک حاملگی انسانی است (آنونیموس، ۲۰۱۱).

در همسان‌سازی تحقیقی یا درمانی که عمدتاً برای درمان امراض ناعلاج از آن‌ها استفاده می‌نمایند، سلول‌های بنیادی را برای تولد بافت یا عضو کامل و جهت پیوند به همان فرد دهنده، استفاده می‌شود (محسنی و صارمی، ۱۳۸۲ ش.). میلیون‌ها انسان از بیماری‌هایی رنج می‌برند که ممکن است در اثر پژوهش‌های انجام‌شده بر روی سلول‌های بنیادی، شفا یابند.

پدیده همسان‌سازی انسانی، با واکنش‌های مختلفی اعم از موافقین و مخالفین روبرو گردیده است؛ در این میان، عمده مخالفتی که در قبال این پدیده صورت گرفته، از ناحیه‌ی اخلاقیون بوده است و حتی استدلال‌ات دینی به عمل آمده در این خصوص، در برخی موارد همان استدلال‌ات اخلاقی هستند (عامری‌نیا، ۱۳۸۶ ش.). فناوری‌های نو ناشی از پیشرفت در علوم زیست‌شناسی، طب و ژنتیک به لحاظ اثرگذاری بر انسان و زندگی طبیعی او، نیاز به رهنمودهای اخلاقی دارد که می‌توان گفت: همین امر سبب واکنش اخلاقیون در قبال پدیده همسان‌سازی انسانی شده است. بخشی از حساسیت‌ها و توصیه‌های اخلاقیون به منظور جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی و بخشی نیز به جهت آثار منفی این‌گونه پدیده‌هاست و گاهی به لحاظ تعارض آن‌ها با منافع واقعی افراد و گاهی نیز به علت آسیب‌های اجتماعی زندگی بشر. اینجاست که بررسی موضوع مورد بحث از منظر اخلاق زیستی اهمیت پیدا می‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی اخلاق زیستی اسلامی

اخلاق زیستی^۳، بخشی از اخلاق عملی است که معمولاً با اخلاق پزشکی^۴ هم معنا شمرده می‌شود، اما در وسیع‌ترین مفهوم به معنای بررسی مسایل اخلاقی، اجتماعی و سیاسی است که زیست‌شناسی و سایر علوم زیستی آن را به وجود می‌آورند و به طور مستقیم یا غیر مستقیم در بهروزی انسان دخیل هستند. (آنونیموس، ۲۰۰۸).

بنابراین اخلاق زیستی اسلامی را می‌توان چنین تعریف کرد:

در اخلاق زیستی، حق هر فرد برای بهره‌گیری از بالاترین معیارهای قابل اکتساب سلامت جسمی و ذهنی مورد توجه قرار می‌گیرد و گفته می‌شود که هیچ کس حق ندارد، بدون رضایت‌دادن، محکوم شود که مورد تجربیات علمی و پزشکی قرار گیرد (سیموندس، ۱۳۸۳ ش.).

اکنون باید ببینیم این فناوری با اصول اخلاق زیستی اسلامی سازگاری دارد یا نه؟ اخلاق زیستی اسلامی: طبق تعریفی کلی که از اخلاق زیستی ارائه دادیم، می‌توان اخلاق زیستی اسلامی را چنین تعریف کرد: اصول، هنجارها و ارزش‌های اخلاقی اسلامی در رابطه با هر نوع دستکاری و دخالت در زندگی موجودات اعم از انسان، حیوان و گیاهان. از نقطه نظر اخلاق زیستی به طور عام، در تمام تحقیقات و آزمایشاتی که بر روی انسان انجام می‌شود، مسأله، اتخاذ یک روش است که به واسطه آن بتوان درستی و صحت انجام این‌گونه آزمایش‌ها را بر روی انسان توجیه نمود. آئین‌نامه نورنبرگ، ده شرط اخلاقی برای انجام آزمایش‌ها قرار داده که همگی به رضایت داوطلبانه و عاری بودن از آسیب‌های جسمی و روانی تأکید دارند و این مطلب است که با اصول اخلاق زیستی اسلامی کاملاً سازگاری دارد.

آیین‌نامه مزبور اعلام می‌دارد تحقیقات تا جایی ادامه می‌یابد که منافع احتمالی بیشتر از مضراتش باشد و شخص مورد آزمایش از خطرات اطلاع داشته باشد؛ در

حالی که عملاً خطرات مربوط به بچه همسان‌سازی شده هم به دلیل آن که بسیار زیادند و هم بسیار جدی و هم به دلیل این که آن‌ها آگاهانه و آزادانه این خطرات را برای آن‌ها نپذیرفته‌اند، لذا به هیچ رو با اخلاق قابل جمع نیستند. مسأله رضایت امری است که نمی‌توان از آن به سادگی گذشت. مضاف بر این مطلب خطراتی هم همواره متوجه اهداکننده تخمک است؛ از جمله: خطر سلامتی تولید مثل آینده آن زن، که تحت تأثیر درمان‌های هورمونی که نیازمند تخمک‌گذاری مجدد وی است، سلامت او را به مخاطره می‌اندازد، زیرا این گونه خطرات برای مادرانی که چنین بچه‌هایی را به وجود می‌آورند، نیز وجود دارند (طه، ۱۹۹۹ م.).

به دلیل خطرات یاد شده امروزه، یک توافق عمومی وجود دارد که تلاش برای همسان‌سازی به منظور فرزندآوری را، که موجب انجام آزمایش‌های غیراخلاقی بر روی انسان می‌شود، غیر مجاز می‌داند. هابرماس می‌گوید: نتایج ناخواسته‌ای که همسان‌سازی می‌تواند به همراه داشته باشد، خطرات مهمی برای کودک دربر دارد و اصولاً این نتایج غیرقابل پیش‌بینی است. (هابرماس، ۱۳۸۴ ش.) به علاوه کسب اجازه کسی که هنوز به دنیا نیامده، هم دست‌یافتنی نیست. موارد گفته‌شده، نمونه‌هایی از الزامات اخلاقی هستند که اعلامیه‌های اخلاقی حقوق بشری به آن‌ها پرداخته‌اند.

اخلاقیون می‌گویند: همسان‌سازی درمانی در صورتی که پس از چهارده هفته‌گی تداوم یابد، نقض اصلی کلی از اخلاق زیستی است که در آن مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، تعهدات، اصول و خط‌مشی‌های تعیین‌کننده حدود مجاز آزمایش و تجربیات ژنتیکی قابل انجام بر روی موجودات زنده مطرح می‌شود (صنعتی، زندگی‌فر، ۱۳۸۲ ش.).

اخلاق زیستی اسلامی، که با مبانی فوق‌الاشاره سازگاری دارد، به سهم خود دارای اصولی روشن است که برای اثبات تعارض فناوری همسان‌سازی با آن، به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

بخش دوم: بررسی همسان‌سازی انسانی از دیدگاه اصول اخلاق زیستی اسلامی

۱. اصل لاضرر

اصل لاضرر که در حقوق اسلامی به قاعده «لاضرر» مشهور است، (بجنوردی، ۱۳۷۷ش.) یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی است که مستند بسیاری از الزامات حقوقی قرار می‌گیرد.

این اصل بیانگر این است که هیچ‌کس حق ندارد بدون توجیه اخلاقی ضرری به دیگران برساند، همان‌گونه که از نظر فقهی و حقوقی نمی‌تواند سبب ورود خسارت به دیگری شود.

این اصل متعالی در نظام اخلاقی اسلام تا آنجا پیش رفته که فرد حتی حق اضرار به خود را نیز ندارد. تحریم خودکشی یعنی سلب حق حیات از خود، مستفاد از ادله‌ای چون «و لا تلقوا بایدیکم الی التهکله»، (اسراء، ۷۰) ممنوعیت هرگونه آسیب حیثیتی به خود یعنی ضرورت مراقبت از جایگاه آبرومندان خود در جامعه «ایاک و مواطن التهمه»، (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶ ق.) مذمت محروم‌ساختن خود از مواهب طبیعی برای رفاه تن «لا تحرموا طیبات ما احل الله لکم»، (مائده، ۷۸) تحریم گردن‌فرازی و راه‌رفتن از روی تکبر بر روی زمین «و لا تمشی فی الارض مرحا»، (اسراء، ۳۷) نمونه‌هایی از نمود این اصل متعالی و تبلور عینی آن در نگاه اسلام می‌باشد؛ یعنی انسان حتی نسبت به خود اعم از جان، مال و آبرو در محدودیت اخلاقی قرار دارد و نمی‌تواند هر چیزی را ولو غیر اخلاقی باشد، بر خود تحمیل نماید. استناد به اصل لاضرر به معنای فقهی آن اگرچه، برای تحریم

همسان‌سازی انسانی مواجه با ادله معارضی است که طرفداران جواز همسان‌سازی برای مشروعیت آن ارائه داده‌اند، (عامری‌نیا، ۱۳۸۶ش)، ولی این اصل به معنای اخلاقی‌اش در مخالفت با پدیده مورد بحث، هرگز مورد مناقشه جدی قرار نگرفته است.

مورد آزمایش قراردادان و تحمیل یک‌طرفه این‌گونه خلقتی بر شبیه ساخته، قرار دادن او در وضعیتی متفاوت با انسان‌های طبیعی یعنی کارخانه‌ای ساختن او از یک سو و تحمیل خطرات پیش رو ولو خطرات احتمالی بر آن از سوی دیگر بدون شک این فناوری را غیراخلاقی می‌نمایاند که همه این‌ها به موجب اصل لاضرر محکوم و مردود است. اگر رابطه اخلاق را با فقه از نظر دور نداریم، اهمیت اصل مزبور روشن‌تر می‌گردد که در این باره می‌گوییم: هرچند نیروی الزام‌آور دستورات فقهی و ضمانت اجرانداشتن گزاره‌های اخلاقی در نگاه سنتی و سطحی، این ذهنیت را به وجود آورده که بین فقه و اخلاق فاصله است، آن طور که برخی از تحلیل‌گران چنین نسبتی را به برخی از فقها داده‌اند (طباطبایی، ۱۳۸۰ش)، ولی همان‌گونه که برخی از صاحب‌نظران نیز اذعان کرده‌اند، این ذهنیت نامش از عدم تبیین دقیق رابطه فقه با اخلاق است، نه در اثر وجود واقعی این دو از هم (محقق داماد، ۱۳۸۶ش) که نگاه دقیق به مسأله ما را به هم آمیختگی فقه و اخلاق رهنمون می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۸۳ش). به هر حال از نظر اصل لاضرر به معنای اخلاقی آن (و با دقت بیشتر حتی به معنای فقهی‌اش) روی آوردن به شبیه‌سازی رویکردی غیراخلاقی است.

۲. اصل سودمندی

نتیجه حاصل از اصل سودمندی گامی بالاتر از اصل لاضرر است. به موجب اصل لاضرر، ضرر رساندن به دیگران ممنوع است؛ اما بنا به اصل سودمندی صرف ضرر رساندن به دیگران کافی نیست، بلکه انسان‌ها باید به یکدیگر خیررسانی نمایند. جالب توجه این که قلمرو این اصل از منظر اخلاق زیستی اسلامی محدود به انسان‌ها نمی‌شود، بلکه تمامی موجودات زنده و حیوانات را نیز شامل می‌گردد (منتظری، ۱۳۸۵ش). مانند این نصوص اخلاقی مورد تأکید پیشوایان دینی که از پیامبر سؤال شد که محبوب‌ترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: سودمندترین آن‌ها برای مردم.

این‌ها نمونه‌هایی از این عینیت در حوزه اخلاق اسلامی است. بدیهی است که تحقق اصل سودمندی منوط به انجام عمل سودمندانه و ترک عمل مضر است. امروزه نظریات مدارانه بی‌تردید از جمله مؤثرترین دیدگاه‌های اخلاقی در حوزه هنجاری و جهت‌گیری‌های قانون‌گذارانه و سیاست‌گذاران می‌باشد. نظریات نفع‌مدار بارزترین نمونه دیدگاه‌های نتیجه‌گرا در حوزه هنجارهای اخلاقی هستند، نتیجه‌گرایان اخلاقی بودن عمل یا قاعده را بر مبنای پیامدها و نتایج آن ارزیابی می‌کنند (سیدفاطمی، ۱۳۸۱ش).

همسوی بودن دیدگاه مؤثر فوق با اصل سودمندی مورد نظر در اخلاق اسلامی می‌تواند زمینه تعامل و توافق دو جریان تأثیرگذار این عصر را در مقابله با فناوری شبیه‌سازی فراهم آورد. بر مبنای اصل سودمندی، انسان نه تنها نباید ضرر یا شری را به دیگران تحمیل کند، بلکه از ورود شر یا ضرر به دیگران جلوگیری نماید. انسان باید ضرر موجود را بر طرف کند و در راستای ارتقا و توسعه خیر و نیکی گام بردارد (تیموری، ۱۳۸۲ش).

به قول سعدی:

تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی

اصل سودمندی می‌گوید تا زمانی که مضرات احتمالی شبیه‌سازی غیردرمانی برطرف نشده، نباید به آن مبادرت کرد. از آنجا که دفع ضرر از غیر تکلیفی اخلاقی است، لذا باید مانع فناوری شبیه‌سازی انسانی شد تا مبادا مضراتی به شبیه ساخته وارد آید.

تا جایی که برخی از علمای اخلاق یاری‌نکردن ستم دیدگان و ترک کمک به فریادخواهان را از جمله گناهان کبیره به شمار آورده‌اند و در این خصوص به روایات زیادی از پیشوایان دین استناد کرده‌اند (دستغیب، ۱۳۸۶ش).

۳. اصل غایت بودن انسان

انسان به خاطر برخورداری از ویژگی‌هایی از جمله اختیار فی نفسه غایت است و نباید به عنوان ابزار مورد استفاده قرار گیرد. اصل احترام به استقلال فردی انسان در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد «لقد کرما بنی آدم و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا؛ به راستی ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم» (اسراء، ۷۰).

این اصل مانع استفاده ابزاری از انسان است. همه انسان‌ها در ذات خود غایت هستند و از حیثیت انسانی یکسان برخوردارند. بر پایه این اصل، مجاز نخواهیم بود برای تأمین مقاصد پژوهشی خود در حوزه بیوتکنولوژی، افراد را در حد اشیاء و حتی حیوانات تنزل دهیم و بدون خواسته آن‌ها، آن‌ها را موضوع پژوهش‌های خود قرار دهیم (موتق، ۱۳۸۴ش)، از سویی یکی از نتایج فناوری شبیه‌سازی، تملک انسان شبیه ساخته است. این در حالی است که انسان غایت است و قابل تملک نیست و

نمی‌توان مانند اشیا بر آن مالکیت پیدا کرد. اگر شبیه ساخته قابل تملک باشد، مستلزم تمایزات حقوقی بین مالک و مملوک است که با اصل مزبور مغایر است. هدف اخلاق اسلامی رساندن نفس آدمی به آخرین افق‌های انسانی است (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش). که همان هدف نهایی از خلقت است، بنیاد و شالوده اساسی اخلاق اسلامی، همان توجه دادن انسان به شرافت و کرامت ذاتی اوست. شرافت و کرامتی که هرگونه تحقیر و ذلت‌پذیری را بر نمی‌تابد. حال تصور کنید انسان شبیه ساخته تا چه اندازه تحت سلطه و سیطره فناوری شبیه‌سازی و فراهم‌کنندگان زمینه وجود او قرار گرفته است که اگر اضافه کنیم به این واقعیت، وضعیت جانبی ناشی از اهداف کمپانی‌ها و اشخاص متقاضی تولید شبیه ساخته و مآلاً بازیچه قرارگرفتن این موجود انسانی، مخدوش‌شدن کرامت انسانی آن، بیش از پیش روشن می‌گردد که هیچ‌کدام از این‌ها با روح تعالیم اسلامی سازگاری ندارد. در نهایت آثاری که نتیجه قهری از دست‌رفتن حس کرامت در این موجود است که هر نوع ناامنی روانی و اخلاقی را در او متصور و محتمل می‌نماید «من هانت علیه نفسه فلا تأمن شره» (مجلسی، ۱۴۱۳ق).

۴. اصل معامله متقابل

طبق این اصل باید با دیگران چنان رفتار شود که مایلیم با خودمان رفتار کنند. این اصل که مورد توجه فیلسوفان غیرمسلمان قرار گرفته و حتی یکی از اصول فلسفه کانت به شمار می‌آید (کانت، ۱۳۶۹ش). و اتفاقاً هابرماس فیلسوف اخلاق‌گرای آلمانی، ممنوعیت شبیه‌سازی را از همین منظر تحلیل و توجیه نموده است (هابرماس، ۱۳۸۴ش).

این اصل یکی از اصول بنیادین در حوزه اخلاق است که قطعاً می‌توان آن را ناشی از تعالیم اسلامی دانست. در وصیت امام علی (ع) به فرزندش چنین آمده:

پسرم نفس خود را مابین خویش و مردم میزان قرار بده، پس دوست بدار بر دیگران آنچه را که بر خود دوست می‌داری و آنچه که برای خود ناپسند می‌شماری، برای دیگران نیز ناپسند شمار، ستم نکن همچنانکه نمی‌خواهی بر تو ستم شود، به دیگران نیکی کن همان‌گونه که دوست داری به تو نیکی شود، زشت شمار از خویشتن آنچه را که از دیگران زشت می‌شماری» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱) و در برخی روایات منسوب به پیامبر (ص) آمده که: لما یکمل ایمان عبد حتی یحب لما خیه ما یحب لنفسه و یکره لما خیه مایکره لنفسه؛ ایمان بنده کامل نمی‌شود مگر آن زمانی که دوست بدارد برای همنوعش آنچه را که برای خود دوست دارد و ناگوار شمارد برای او هر آنچه را که برای خود ناگوار می‌داند (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا).

اکنون می‌پرسیم کدام انسان طبیعی است که راضی باشد مانند انسان شبیه ساخته مورد آزمایش قرار گیرد و تحت عملیات ژنتیکی مورد نظر در فناوری شبیه‌سازی قرار گیرد؟! فطرت سلیم بشری به راحتی و بدون نیاز به هرگونه استدلال، پاسخ منفی این سؤال را درک می‌کند.

۵. اصل توجه به نتایج عملی یک فرآیند

جمله معروف «عاقل آن است که اندیشه کند فردا را» مکرر شنیده‌ایم. آینده‌نگری و توجه به مصالح و مفسد کارها نیز به سهم خود نقش اصلی و قاعده‌ای دارد که می‌تواند در اخلاق زیستی مورد توجه قرار گیرد. این اصل به پرهیز از عملی که از نظر اخلاقی مجاز است، اما تجویز آن می‌تواند زمینه سوءاستفاده را فراهم آورد، اشاره دارد و در مجموع می‌تواند شبیه‌سازی تولیدی انسانی را تحریم نماید (تیموری، ۱۳۸۲ش.).

مردی از پیشگاه پیامبر تقاضای نصیحت کرد، پیامبر از او سه بار قول گرفت که اندرزش را به کار بندد. آن را فرمود: هرگاه تصمیم به انجام کاری گرفتی، ابتدا در نتیجه و عاقبت آن بیندیش و درباره موضوع مورد نظرت به تفکر پرداز، اگر عاقبت و نتیجه‌اش درست و صحیح به نظر رسید آن را دنبال کن و چنانچه نتیجه‌اش گمراهی و تباهی بود، از تصمیم خویش صرف‌نظر نما و از انجام آن کار خودداری کن (حرعاملی، ۱۳۷۲ش).

۶. اصل رضایت فرد و حفظ اسرار او

این اصل از اصول مهم اخلاق زیستی است و تا آنجا اهمیت دارد که شخص در هر مرحله از آزمایش و پژوهش این اختیار را دارد که از ادامه همکاری سرباز زند و اعلام انصراف نماید، در مورد افرادی که توان ابراز رضایت ندارند، اصل بر این است که شخص، نهاد یا ارگانی که سرپرستی آنها را برعهده دارد، می‌تواند به جای آنها رضایت دهد. در مورد کم‌سالان و دیوانگان همین اصل نیز مراعات می‌گردد (تیموری، ۱۳۸۲ش).

اصل مورد بحث که در حقوق اسلامی مبنای هرگونه عمل حقوقی است و از بدیهیات نظام حاکم بر قراردادها است، (کاتوزیان، ۱۳۸۳ش) خود یک اصل حقوقی بنیادین دیگری در نظام اخلاقی اسلام است. به موجب این اصل هرگونه ورود به زندگی فردی، خانوادگی و جمعی اشخاص بدون رضایت آنها ممنوع است و نقض این ممنوعیت، عملی غیراخلاقی به شمار می‌آید.

تحریم تجسس در زندگی افراد، (حجرات، ۱۲) حرمت کشف و بازگویی اسرار دیگران (کلینی، ۱۳۸۷ش)، تعرض به مال افراد بدون اجازه، (مائده، ۲۵) ورود به منزل دیگری بدون هماهنگی با او، (نور، ۲۷) نمونه‌هایی از کاربرد اصل مورد بحث در نظام اخلاقی اسلام است که به راحتی می‌توان از کتاب و سنت استفاده

نمود. این در حالی است که انسان شبیه ساخته نقش ابزاری در دست سازنده آن را دارد که به خود اجازه می‌دهد هرگونه رفتاری را با او داشته باشند. او به حکم کارخانه‌ای بودنش کالای ساخته شده توسط سرمایه‌گذاری است که می‌خواهد به میل خود او را بسازد و مورد بهره‌وری خویش قرار دهد. او موجود بی‌پناهی است که محکوم اراده شخص دیگر شده، بی‌آنکه کمترین رضایتی به این کار داشته باشد و از سوی دیگر به لحاظ حقوقی شرایط لازم برای قرار گرفتن تحت سرپرستی اولیای قانونی نیز ندارد؛ چراکه به لحاظ ماهیت وجودی‌اش نمی‌تواند نظام حقوقی مربوط به مقوله‌هایی چون ولایت یا قیمومت قرار گیرد.

۷. اصل برابری و عدم تبعیض

بدون تردید برابری انسان‌ها و عدالت از اساسی‌ترین اصول مورد تأکید در نگاه اسلام است. عدالت‌خواهی با سرشت انسان عجین است، لذا ریشه فکری دارد. بدیهی است اسلام که دین فطرت است، نگاه عادلانه به انسان را سرلوحه کار خود قرار دهد.

کل مؤمن اخوه اندر دلش حریت سرمایه آب و گلش
ناشکیبا امتیازات آمده در نهاد او مساوات آمده

(لاهوری، ۱۳۷۰)

حال اگر قرار است که فناوری شبیه‌سازی موجودی در نهایت به عنوان انسان تولید نماید، نباید او را در فرآیندی قرار دهد که خارج از قانون عدالت باشد. در حالی که فناوری مزبور چنین نتیجه‌ای را به دست نمی‌دهد، بلکه ناقض آن می‌باشد. از تفاوت پیدایش آن گرفته تا آینده پر از ابهام و کاملاً متمایز با بشر معمولی و طبیعی او از سلب اختیار او گرفته تا محکوم‌کردنش و آنچه مورد نظر

سازنده آن است، از قرار دادن او در مسیر ناخواسته گرفته تا بستن راه فرار او از نتایج این فناوری، همه اینها تفاوت زیست نابرابری را برای او رقم می‌زند که اخلاق زیستی اسلامی آن را نا عادلانه می‌داند و نمی‌پذیرد.

نتیجه

با توجه به اصول اخلاقی ذکر شده که تنها بخشی از اصول اخلاق زیستی اسلام بود، چنین به نظر می‌رسد که فناوری همسان‌سازی انسانی، با همه شکوه علمی که دارد، با اصول اخلاق زیستی اسلامی در تعارض است؛ زیرا این فناوری پاره‌ای از اصول اخلاقی مورد توجه اسلام را نقض می‌نماید و از آنجا که اصول موصوف به درجه‌ای از اهمیت هستند که جایگزینی برای آن‌ها متصور نیست، لذا اصولی ثابت و غیر قابل اغماض هستند، زیرا این اصول با اساس موجودیت انسان و تکامل او مرتبط است و قابل مصالحه و معامله با امر دیگری نمی‌باشند.

نکته دیگری که از این پژوهش به دست آمد، این است که دیدگاه اخلاقیون غیر مسلمان نیز با اصول اخلاق زیستی اسلامی در این خصوص همسو بوده و این دو دیدگاه در واقع نظر خود را در مخالفت با فناوری همسان‌سازی انسانی مورد تأکید قرار می‌دهند.*

❖ در پایان لازم است از جناب آقای دکتر محمود عباسی - رییس محترم مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی که با رهنمودهای خود و در اختیار گذاشتن منابع جدید ما را در تهیه و تدوین این مقاله یاری رساندند، تشکر و قدردانی کنیم.

پی‌نوشت‌ها

- 1- Reproductive cloning
- 2- Research cloning
- 3- Bioethics
- 4- Medical ethics

فهرست منابع

- Anonymous. National polices on Human Genetic Modification: A Preliminary Survey. <http://www.Geneticsandsociety.org>. (accessed on 2011)
- AnonymousServices/Departments?.<http://www.bmsu.ac.ir> (accessed on 2008)

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن ابی الحدید - (بی تا)، شرح نهج البلاغه، جلد ۱۶، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان

بجنوردی، سیدمحمدحسن - (۱۳۷۷ ش.)، القواعد الفقهیه، جلد ۱، قم، انتشارات الهادی

تیموری، غلام احمد - (۱۳۸۲ ش.)، بیوتکنولوژی در آینه فلسفه اخلاق، مجله باروری و

ناباروری، (۴)، ۶۸

جوادی آملی، عبدالله - (۱۳۸۵ ش.)، مبادی اخلاق در قرآن، جلد ۱۰، چاپ پنجم، قم، انتشارات

اسراء

حر عاملی، شیخ محمدابن الحسن - (۱۳۷۲ ش.)، وسائل الشیعه، (جلد ۶)، چاپ هفتم، تهران،

انتشارات اسلامیة

دستغیب، سیدعبدالحسین - (۱۳۸۶ ش.)، گناهان کبیره، (۲ جلدی)، جلد ۲، چاپ ۱۲، قم،

انتشارات اسلامیة

سیدفاطمی قاری، سیدمحمد - (۱۳۸۱ ش.)، مبانی توجیهی - اخلاقی حقوق بشر معاصر، مجله

تحقیقات حقوقی، ج ۳۵۳۶، ۱۶۱

سیمویندس، جانوس - (۱۳۸۳ ش.)، حقوق بشر، ابعاد نوین و چالش‌ها، (۱ جلدی)، ترجمه

شیرخانی محمدعلی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

- عباسی، محمود - (۱۳۸۷ ش.)، شبیه‌سازی انسانی؛ چالشی نو فراروی اخلاق و حقوق بشر، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق پزشکی، ش ۳
- صادقی، محمود - (۱۳۸۳ ش.)، همانندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی، مجموعه مقالات اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی، ۶۹ تا ۷۰
- صارمی، ابوطالب - (۱۳۸۲ ش.)، شبیه‌سازی (کلونینگ)، (۱ جلدی)، تهران، انتشارات خلوص صنعتی، محمدحسین؛ زندگی‌فر، ماهک - (۱۳۸۲ ش.)، تبیین بینش‌های اخلاقی و حقوقی در زیست فناوری، بیوتکنولوژی، (۱ جلدی)، تهران، مرکز ملی تحقیقات مهندسی ژنتیک و تکنولوژی زیستی
- طباطبایی، سیدجواد - (۱۳۸۰ ش.)، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- طباطبایی، سیدمحمدحسین - (۱۳۸۳ ش.)، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، (جلد م - ص)، چاپ ۱۸
- عامری‌نیا، محمدباقر - (۱۳۸۶ ش.)، شبیه‌سازی انسانی در آئینه فقه، حقوق و اخلاق. قم، انتشارات راه سبز
- کاتوزیان، ناصر - (۱۳۸۳ ش.)، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، چاپ ششم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار
- کانت، ایمانوئل - (۱۳۶۹ ش.)، بنیاد ماوراءالطبیعیه اخلاق، ترجمه عنایت حمید، قیصری علی، (۱ جلدی)، تهران، انتشارات خوارزمی
- کلینی، محمد ابن یعقوب - (۱۳۸۳ ش.)، الکافی، جلد ۴، چاپ اول، قم، انتشارات دارالحدیث لاهوری، اقبال - (۱۳۷۰ ش.)، کلیات اقبال، چاپ پنجم، تهران، انتشارات کتابخانه صانعی
- مجلسی، محمدباقر - (۱۴۱۳ ق.)، بحارالانوار، بیروت، الانتشارات دارالاضواء
- محسنی، محمدآصف - (۱۳۸۲ ش.)، الاستنساخ، الفقه و مسایل طبیعی، (۱ جلدی)، قم، انتشارات بوستان کتاب

- محقق داماد، مصطفی - (۱۳۸۶ ش.)، شبیه‌سازی انسانی از منظر فقه و اخلاق، فصلنامه حقوق پزشکی، (۱)، ۲۷
- محمدی ری‌شهری، محمد - (۱۴۱۶ ق.)، میزان الحکمه، جلد ۱، چاپ اول، قم، انتشارات دارالحديث
- مروتی، سعید - (۱۳۸۴ ش.)، شبیه‌سازی انسان و مسائل اخلاقی مرتبط، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی اخلاق زیستی، ۱۷۴
- منتظری، حسین‌علی - (۱۳۸۵ ش.)، رساله حقوق، قم، انتشارات نثر سرایی
- موثق، هومن - (۱۳۸۴ ش.)، بررسی مبنای حقوق بشر در پرتو جهان شمولی آن، دو فصلنامه حقوق عمومی و حقوق بشر، (۵۶)، ۸
- نیکوئی‌نژاد، لیلا - (۱۳۹۰ ش.)، فناوری همسان‌سازی انسانی با نگاه به مبانی انسان‌شناختی کانت، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، (۲)، ۴۴
- هابرماس، یورگن - (۱۳۸۴ ش.)، مهندسی ژنتیک و آینده سرشت انسان، ترجمه امامی یحیی، (۱ جلدی)، تهران، انتشارات نقش و نگار

یادداشت شناسه مؤلفان

- محمدباقر عامری‌نیا: استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج، گروه حقوق
- لیلا نیکوئی‌نژاد: کارشناس ارشد فلسفه دین. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج، باشگاه پژوهشگران جوان، یاسوج، ایران. (نویسنده مسؤل)

نشانی الکترونیکی: laile1451@yahoo.com

- عزیزالله نیک‌منش: دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات کهگیلویه و بویراحمد، یاسوج، ایران. وکیل دادگستری و مشاور حقوقی قوه قضائیه

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۷/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۰/۵